

## از «ولی منتخب مردم» تا «مردم‌سالاری دینی» (بررسی جایگاه مردم در «نظام ولایت» از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای)

اکبر اشرفی<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** این مقاله به دنبال مطالعه جایگاه مردم در نظام ولایت در اندیشه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. به‌عنوان فرضیه چنین به نظر می‌رسد که از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، مردم جایگاه تعیین‌کننده‌ای در نظام ولایت دارند.

**روش‌شناسی پژوهش:** این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، نظریه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای را درباره نقش مردم در نظام ولایت از طریق تحلیل متون کتاب‌ها و سخنرانی‌های ایشان مورد بررسی قرار می‌دهد. **یافته‌ها:** نظریه ولایت فقیه گرچه قبل از امام خمینی(ره) توسط علمای دیگر نیز مطرح شده بود، ولی با عملی شدن آن در نظام جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن یک مجتهد عادل در رأس آن، نظام سیاسی ویژه‌ای در ایران تأسیس شد که سابقه‌ای در عصر غیبت نداشته است. یکی از ویژگی‌های مهم این نظام سیاسی، شیوه نقش‌آفرینی مردم در انتخاب ولی‌امر است که امام خمینی(ره) با عنوان «ولی منتخب مردم» و آیت‌الله خامنه‌ای با عنوان «مردم‌سالاری دینی» از آن یاد می‌کنند.

**نتیجه‌گیری:** نظریه «مردم‌سالاری دینی» در واقع همان شکل روزآمد شده و استمرار نظریه «ولی منتخب مردم» است. بر اساس این نظریه، پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است و مردم‌سالاری دینی فقط یک قرارداد عرفی نیست، بلکه یک وظیفه‌ی دینی است که در آن مردم مسلمان، هم اصل نظام و هم حاکم اسلامی را انتخاب کرده و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خود در اختیار می‌گیرند.

**کلیدواژه‌ها:** نظام ولایت، مردم‌سالاری دینی، ولی منتخب مردم، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای.

## مقدمه

امامت، اندیشه سیاسی مطلوب اسلامی از منظر تشیع است. محتوای اندیشه امامت، «ولایت» است. مفهوم ولایت هم در عصر حضور و هم در عصر غیبت امام معصوم، رابطه بین امام و مأموم، و یا حاکم و مردم را مشخص می‌کند. در صورت عملی شدن این رابطه، «نظام ولایت» شکل می‌گیرد.

درباره نوع حکومت اسلامی در عصر غیبت امام معصوم (ع) نظریه‌های مختلفی مطرح شده که یکی از آنها، نظریه ولایت فقیه است. این نظریه گرچه قبل از امام خمینی (ره) توسط علمای دیگر نیز مطرح شده بود، ولی با عملی شدن آن در نظام جمهوری اسلامی ایران در پی پیروزی انقلاب اسلامی و قرار گرفتن امام خمینی (ره) در رأس آن، نظام سیاسی ویژه‌ای در ایران تأسیس شد که سابقه‌ای در عصر غیبت نداشته است. یکی از ویژگی‌های مهم این نظام سیاسی، شیوه نقش آفرینی مردم در انتخاب ولی‌امر است که امام خمینی (ره) با تعبیر «ولی منتخب مردم» و آیت‌الله خامنه‌ای با عنوان «مردم‌سالاری دینی» از آن یاد می‌کنند. در دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه مجموعه‌ای ارگانیک، زنده و منسجم مثل بدن انسان است که با وجود نابرابری‌ها و تفاوت‌های موجود میان اعضا و ارگان‌های مختلف، برای رسیدن به هدفی واحد، منسجم و هماهنگ عمل می‌کند. در این نگرش، بر خلاف منظر اصحاب قرارداد اجتماعی، انسان موجودی رها و به دور از تمدن انسانی فرض نمی‌شود که بنا به ضرورت امنیت یا آسایش بیشتر به زندگی مدنی و اجتماعی تن داده باشد؛ بلکه در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، اساساً زندگانی انفرادی برای هیچ انسانی ممکن نیست، مگر آنکه از جامعه بشری خارج شده باشد. تأمین نیازهای مادی در کنار تحقق برخی ارزش‌های انسانی و متعالی همچون هدایت و عدالت، نیازمند زندگی جمعی است. ساختار ارگانیک و اندام‌وار جامعه توحیدی علاوه بر روح، هدف و مسیر حرکت، نیازمند جایگاه هدایت و فرماندهی است و رهبران انقلاب اسلامی، آن را بر عهده انسان کامل و به تبع آن به رهرو راستین آنان یعنی فقیهان عادل می‌گذارند. زیرا تدبیرگر عالم هستی، هدایت و راهبری جامعه توحیدی را به انبیا و اولیای الهی سپرده است. اقتضای ولایت و هدایت دینی، بیدارکردن فطرت انسانی از طریق آگاهی بخشی، و نیز پاسداشت و تضمین دین‌داری در حوزه فردی و اجتماعی است. الگوی صراط مستقیم (برزگر، ۱۳۹۳) در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای بار دیگر تکرار می‌شود و در تقسیم جوامع بشری، آنان که در دو راهی سعادت و شقاوت مسیر انسانیت، توحید و فطرت را انتخاب می‌کنند، جامعه توحیدی را شکل می‌دهند و آن دسته از جوامع که از این مسیر منحرف شده‌اند، واجد پسوند حیوانی و شیطانی می‌شوند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

ولایت در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، رابطه انسان و خدای متعال را در وجه ولایت الهی پررنگ‌تر می‌کند، در واقع دیگر وجوه توحید نیز با منظر ولایت فهم می‌شود. از این منظر توحید در عبادت به توحید در تولی به ولایت حق تعالی و پرستش خداوند متعال با جاری کردن ولایت حق تعالی در زندگی معنا می‌یابد. همین نگرش به ولایت، خدای متعال را ولی مؤمنین تعریف می‌کند (رستمی‌پور، ۱۳۹۷: ۳۱۶). انبیای الهی نیز برای ابلاغ این ولایت متجسم در گزاره‌های شرعی، تعیین شده‌اند. پس انبیاء، در واقع

اولیای الهی برای جریان ولایت هستند. از همین منظر انسان نیز تعریف می‌شود و هویت او یک هویت رابطه‌ای در نسبت با ولایت الهی تعریف شده و از جمع این روابط نیز معنا و ماهیت جامعه مبین می‌شود. مردم‌سالاری دینی به معنای مدیریت همین جریان ولایت است. نظام مردم‌سالاری دینی یک مجموعه متجانس را تشکیل می‌دهد که از لوازم آن، حضور آزادی و تدین به نحو توأمان است. فعالیت‌های سیاسی، به‌خصوص انتخابات ذیل این معنا از کنش سیاسی تعریف می‌گردند. کنش سیاسی در این منظومه، اقدامی معطوف به نفع شخصی نیست؛ بلکه اقدامی برای انجام امر الهی است.

این مقاله به دنبال مطالعه جایگاه مردم در نظام ولایت در اندیشه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. به‌عنوان فرضیه چنین به نظر می‌رسد که از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، مردم جایگاه تعیین‌کننده‌ای در نظام ولایت دارند و نظریه «مردم‌سالاری دینی» در واقع همان شکل روزآمد شده و استمرار نظریه «ولی منتخب مردم» است. بر اساس نظریه «ولی منتخب مردم» و «مردم‌سالاری دینی»، نقش‌آفرینی مردم در نظام ولایت، مستخرج از اسلام است. به این معنی که پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است و مردم‌سالاری دینی فقط یک قرارداد عرفی نیست، بلکه یک وظیفه‌ی دینی است که در آن مردم مسلمان، هم اصل نظام و هم حاکم اسلامی را انتخاب کرده و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خود در اختیار می‌گیرند.

درباره پیشینه موضوع مورد بحث در این مقاله، کتاب‌ها و مقالات متعددی وجود دارد که این آثار در راستای توضیح اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای تألیف و تدوین شده‌اند که به جهت رعایت اختصار و در دسترس بودن آثار مذکور از تکرار آنها در این‌جا خودداری می‌شود. اما نوآوری مقاله حاضر این است که نظریه «مردم‌سالاری دینی» را که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده است، در واقع همان شکل روزآمد شده و استمرار نظریه «ولی منتخب مردم» امام خمینی(ره) می‌داند و درباره این فرضیه استدلال آورده است.

### الف) «نظام ولایت» از منظر امام خمینی

امام خمینی(ره) بر اساس نگاه خود به انسان و به رسمیت شناختن اراده و اختیار برای انسان، جایگاه مهمی برای مردم در اندیشه سیاسی خود قائل شده است؛ به‌گونه‌ای که بدون حضور مردم امکان عملی شدن اندیشه سیاسی ایشان میسر نیست. بر اساس نگرش توحیدی اسلام از منظر امام خمینی(ره)، اصل اختیار و اراده افراد به رسمیت شناخته می‌شود و انسان‌ها سرنوشت خود را تعیین می‌نمایند. بر این مبنا حکم هیچ کس بر دیگری نافذ نیست مگر به حکم و اجازه خداوند که تدبیرگر عالم هستی است. اوست که حق تعیین سرنوشت را به انسان واگذار کرده و او را آزاد آفریده است.

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) نقش مردم هم در استقرار نظام سیاسی و هم در تداوم آن تعیین‌کننده است. ایشان در این باره صریحاً اعلام می‌کند که: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است

که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل نکنیم» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۵). ایشان با اشاره به آیه شریفه «لا إکراه فی الدین» تحمیل عقیده را رد نموده و آن را منشأ دیکتاتوری می‌داند. به باور ایشان مسیر تعالی باید با برهان بر مردم عرضه شود و تحمیل و فشار جایگاهی ندارد (صحیفه امام، ج ۱۴: ۹۳).

#### مردم و انتخاب ولی امر

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) گرچه مجتهد عادل در عصر غیبت جانشین امام معصوم است، ولی حاکمیت یافتن این مجتهد عادل منوط به انتخاب مردم است. در این راستا نامه امام خمینی(ره) به آیت‌الله مشکینی درباره بازنگری در قانون اساسی و عدم لزوم درج شرط مرجعیت در شرایط رهبری نظام اسلامی از اهمیت بسیاری به لحاظ اندیشه سیاسی برخوردار است. امام خمینی(ره) در این نامه حاکم اسلامی را «ولی منتخب مردم» و شرط نفوذ حکم او را انتخاب وی توسط نمایندگان مردم می‌داند:

«شرط «مرجعیت» لازم نیست. مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومت‌شان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را بر عهده بگیرد، قهراً او مورد قبول مردم است. در این صورت، او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۷۱).

به این ترتیب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، رهبر نظام اسلامی را مردم انتخاب می‌کنند و دو شرط عدالت و اجتهاد برای او لازم است، که تشخیص این دو شرط بر عهده خبرگان منتخب مردم است. بنابراین در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، حاکم اسلامی در عصر غیبت، مجتهد عادل است که مورد قبول مردم نیز باشد. چنین کسی از آنجا که شرایط لازم برای رهبری را دارد و از مقبولیت مردمی نیز برخوردار است، حکمش نافذ خواهد بود.

نفوذ حکم مذکور در نامه امام خمینی(ره)، در واقع به معنای مشروعیت‌یابی و حق اعمال قدرت است. به عبارت دیگر اگر دو مجتهد عادل در همه شرایط مورد نظر، مساوی باشند در نهایت فردی منصب ولایت را به دست می‌گیرد که «منتخب» مردم باشد. امام در این خصوص تصریح کرده است که: «ما می‌خواهیم یک حکومت الهی باشد موافق میل مردم» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۶۱)؛ به عبارت دیگر، جمهوریت و اسلامیت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. از همین رو با وجود این که ایشان معتقد به نظریه انتصاب الهی مجتهد عادل در عصر غیبت است، رهبری و حکومت خود را به تأیید شارع و قبول مردم مستند و تثبیت کرده است (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۶۰۵).

#### مردم، کارآمدی و بقای نظام ولایت

یکی دیگر از دلایل باور امام به اصل حق تعیین سرنوشت را شاید بتوان به اصل کارآمدی نظام اسلامی متصل نمود. در انبوه نظریات ایشان این ایده نیز پررنگ است که هیچ حکومتی بدون مردم نمی‌تواند از عهده وظایف مختلف خود برآید و تا مقبولیت و رضایت مردم در مورد اصل نظام سیاسی نباشد، این همکاری به وجود نمی‌آید. ایشان معتقد بود با رضایت و پشتیبانی مردم، حکومت‌ها پابرجا و پایدار خواهند ماند:

«اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشد؛ آن رژیم از بین نخواهد رفت. اینکه رژیم سابق از بین رفت، برای اینکه پشتیبان نداشت؛ ملت پشتیبانش نبود؛ ملت پشت به او کرد، بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می کردند. این مرد هم که رفت که دیدید چه شادی‌ها کردند. برای اینکه پشتیبان نداشتند» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۷۲).

امام خمینی(ره) حکومت اسلامی را حکومت ملی می‌داند که مستند به قانون الهی و آرای ملت است: «حکومت اسلامی... با آرای ملت می‌آید و ملت او را حفظ می‌کند» (صحیفه امام، جلد ۵: ۲۱۳). به این ترتیب در اندیشه امام خمینی(ره)، مردم جایگاه تعیین کننده‌ای دارند و هم علت موجهه و هم علت مبقیه نظام اسلامی محسوب می‌شوند. به این ترتیب امام خمینی(ره) نقش بسیار مهمی برای مردم در اندیشه سیاسی خود در نظر گرفته است که این نقش در تأسیس نظام ولایت، حفظ و استمرار نظام اسلامی و در نهایت نظارت و کنترل عملکرد حاکمان اسلامی جلوه‌گر می‌شود.

#### تفاوت نظام ولایت با دموکراسی غربی

با وجود این که در اندیشه امام خمینی(ره)، مردم نقش تعیین کننده‌ای هم در تأسیس و هم در بقای نظام ولایت دارند، ولی از نظر ایشان نظام ولایت با دموکراسی موجود در غرب متفاوت است. ایشان در این زمینه می‌گویند: «ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد، اما آن دموکراسی‌ای که ما می‌خواهیم به وجود آوریم در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام، کامل‌تر از دموکراسی غرب است» (صحیفه امام، جلد ۴: ۳۱۴).

علت تفاوت نظام ولایت با دموکراسی در غرب به موضوع محتوا و غایت حکومت مربوط می‌شود و شباهت این دو نیز به نقش مردم در تأسیس و استمرار آن نظام‌ها برمی‌گردد. به عبارت دیگر گرچه هر دو نظام سیاسی اسلامی و غربی، مردمی بوده و در هر دو نظام، رأی ملت تعیین کننده است و به همین خاطر هم امام خمینی(ره) فرموده‌اند که «میزان؛ رأی ملت است» (صحیفه امام، ج ۸: ۱۷۳). اما از نظر ایشان بین این دو نظام سیاسی یک تفاوت بنیادین موجود است. این تفاوت بنیادین به مجموعه شروطی برمی‌گردد که موجب اسلامی شدن نظام سیاسی می‌شود:

«حکومت اسلامی هیچ یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست... حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه؛ بلکه مشروطه است. البته مشروطه نه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد؛ مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم(ص) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۷۳: ۴۵-۴۳).

به عبارت دیگر با وجود اهمیت بسیار زیاد مردم در حکومت اسلامی از منظر امام خمینی(ره)، این حکومت در اندیشه سیاسی ایشان مثل دموکراسی غربی نیست؛ چرا که در دموکراسی غربی قانون تابع آرای اکثریت

افراد است در حالی که در حکومت جمهوری اسلامی، قانون همان فرمان الهی است که به صورت وحی از طریق پیامبر خاتم(ص) به مردم ابلاغ شده است. این قانون بر همه از جمله شخص پیامبر اسلام(ص) حاکم است و در تمام زمانها قواعد زندگی مردم و شرایط حاکمان و قوانین حکومت‌داری را مشخص کرده است. به این ترتیب کسانی که با تمسک به یک جمله از امام خمینی(ره) با عنوان «جمهوری، به همان معنایی که همه جا جمهوری است»، هیچ تفاوتی بین نظام جمهوری اسلامی و جمهوری‌های دیگر که سکولار و یا لائیک هستند، قائل نمی‌شوند (کدیور، ۱۳۸۰، [www.isna.ir/news/8003-01706](http://www.isna.ir/news/8003-01706))؛ و این نظر شخصی خود را به امام خمینی(ره) هم نسبت می‌دهند؛ در تفسیر ماهیت جمهوری اسلامی، دچار اشتباه شده‌اند. چرا که خود امام خمینی(ره) در ادامه جمله خویش توضیح لازم را ارائه کرده است. ایشان در ادامه جمله «اما جمهوری، به همان معنایی که همه جا جمهوری است» گفته‌اند که: «لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی ای متکی است که قانون اسلام است. این که ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است» (صحیفه امام، جلد ۴: ۴۷۹).

با توجه به توضیح امام خمینی(ره) درباره جمله فوق که در جمهوری اسلامی شرایط منتخب و احکام جاری در ایران را اسلام مشخص می‌کند، تفاوت بنیادین دو نظام سیاسی جمهوری اسلامی و دموکراسی غربی مشخص می‌شود. به عبارت دیگر در دموکراسی‌های غربی رأی اکثریت تنها ملاک قانون‌گذاری است، در حالی که در جمهوری اسلامی مردم ابتدا به اصل نظام جمهوری اسلامی رأی می‌دهند و سپس می‌پذیرند که تمام قانون‌گذاری‌ها و مقررات جاری در کشور بر اساس آموزه‌های اسلام باشد. به این موضوع شهید بهشتی در هنگام بررسی و تدوین قانون اساسی تصریح کرده است:

«چون ملت ما در طول انقلاب و در فراندوم، اول انتخاب خودش را کرد، گفت: «جمهوری اسلامی»، با این انتخاب، چارچوب نظام حکومتی بعدی را خودش معین کرد و در این اصل [اصل پنجم] و اصول دیگر این قانون اساسی، که می‌گوییم بر طبق ضوابط احکام اسلام، در چارچوب قواعد اسلام، بر عهده‌ی یک رهبر اسلام و یک رهبر آگاه و اسلام‌شناس و فقیه؛ همه به خاطر آن انتخاب اول ملت ماست. در جامعه‌های مکتبی و در همه جای دنیا، مقید هستند که حکومت‌شان بر پایه‌ی مکتب باشد» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۸۰-۳۸۱).

مثلاً از آنجا که همجنس‌گرایی در اسلام ممنوع است و هر مسلمانی این موضوع را می‌داند، اساساً چنین موضوعی قابلیت طرح در مجلس قانون‌گذاری جمهوری اسلامی برای تصمیم‌گیری درباره آن پیدا نمی‌کند؛ در حالی که در جمهوری‌های غربی این موضوع قابل طرح و تصویب است و در برخی کشورها هم به تصویب رسیده و به قانون تبدیل شده است. از همین جا اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و شورای نگهبان متولد می‌شوند. شهید بهشتی در دفاع از این اصل استدلال می‌کرد که چون مردم، جمهوری اسلامی را برای شکل نظام سیاسی خود انتخاب کرده‌اند، قانون اساسی جمهوری اسلامی را نیز کسانی می‌توانند بنویسند که در درجه‌ی اول این مبنا را پذیرفته باشند و لذا «اسلام به‌عنوان یک دین زنده و دارنده‌ی نظام،

پایه برای نظام حکومتی آینده است» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷: ۶۵). او در پاسخ به اشکالات مقدم مراغه‌ای درباره‌ی گنج‌اندین اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی می‌گوید:

«اگر قرار است که نظام آینده‌ی ما جمهوری اسلامی باشد، در این صورت باید این نظام، رهبری و مرکز ثقل اداره‌اش بر دوش کسی یا کسانی باشد که چه از نظر آگاهی به اسلام و چه از نظر التزام و مقید بودن به وظایف یک مسلمان، در تمام وظایف فردی، سیاسی، خانوادگی الگو و نمونه باشد... جامعه‌ها و نظام‌های اجتماعی دوگونه هستند: یکی جامعه‌ها و نظام‌های اجتماعی که فقط بر یک اصل متکی هستند و آن اصل عبارت است از آرای مردم بدون هیچ قید و شرط، که معمولاً به اینها گفته می‌شود جامعه‌های دموکراتیک یا لیبرال ... اما جامعه‌های دیگر هستند ایدئولوژیک یا مکتبی... جمهوری اسلامی یک نظام مکتبی است، فرق دارد با جمهوری دموکراتیک» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۷۹ - ۳۸۰).

به عبارت دیگر باید نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن را به صورت یک پیکر واحد و یکپارچه نگاه کرد و آن را به دوپاره جمهوریت و اسلامیت تجزیه نکرد؛ چرا که این دو بُعد، دو وجه یک پیکرند که اگر از هم جدا شوند، اصل پیکر از بین خواهد رفت. بنابراین اصول مربوط به اسلامیت نظام جمهوری اسلامی فقط در کنار اصول مربوط به اسلامیت آن قابل فهم و تبیین است و بالعکس. اگر بخواهیم جایگاه مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) را با یک نگاه یکپارچه به نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن، به طور خلاصه بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم که امام خمینی(ره) به‌عنوان یک فقیه و متفکر برجسته شیعه انسان را مخلوق خدا و دارای اختیار جهت انتخاب روش زندگی خود می‌داند. از سوی دیگر از آنجا که این انسان ضرورتاً به سوی خدا باز خواهد گشت، خداوند برای راهنمایی او جهت زندگی مطلوب در این دنیا، پیامبران را ارسال کرده و به همراه آنها وحی و قانون زندگی مطلوب انسانی را به مردم ارائه کرده است. بنابراین زندگی مطلوب انسانی بدون راهنمای الهی میسر نیست. در دوره غیبت امام معصوم(ع)، مسؤلیت راهنمایی مردم بر دوش فردی است که اولاً آن قانون الهی را به‌صورت استنباطی و اجتهادی می‌داند و ثانیاً عادل است. چرا که فرد غیر واجد شرایط اساساً به جای راهنمایی انسان‌ها، باعث گمراهی بیشتر آنها می‌شود. در این میان هم حق و هم وظیفه مردم آن است که بهترین راهنما را انتخاب کرده و به کمک او و به همراه او به سوی مقصد حرکت کنند. بنابراین انتخاب راهنما، کمک به او و همراهی وی در مسیر حرکت، محافظت از او و رفع موانع حرکت به سوی مقصد، از مهمترین کارویژه‌های مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) است.

### ب) «نظام ولایت» از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

«مردم‌سالاری دینی» مفهوم جدیدی است که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران معنای عینی یافت و توانسته است برای چهار دهه نظام جمهوری اسلامی ایران را اداره کند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در توضیح مفهوم مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی(ره) چنین می‌گوید: «در مورد مردم، مهمترین کاری که امام کردند، این بود که مفهوم مردم‌سالاری را از چیزی که طراحان دمکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های

عملی می‌خواستند نشان بدهند، به کلی دور کردند. سعی آنها این بود که این‌طور القاء کنند که مردم‌سالاری با دین‌سالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم‌سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح کرد. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۲/۳/۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار واژه «مردم‌سالاری دینی» را مطرح نمود و از آن به بعد این اصطلاح را می‌توان در ادبیات سیاسی ایشان به کرات مشاهده نمود. تأکید بر استفاده از واژه مردم‌سالاری دینی به جای اصطلاحات مشابه آن، نشان از توجه خاص ایشان به بار معنایی این اصطلاح و ظرفیت وسیع آن برای نشان دادن جایگاه مردم و کرامت انسان در نظام سیاسی اسلام دارد. البته واژه مذکور چیزی در برابر مفهوم «جمهوری اسلامی» نیست و هر دو به یک حقیقت که همانا مدل حکومت اسلامی در عصر غیبت امام معصوم (ع) است، اشاره دارد. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که «در مکتب سیاسی امام، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم» برخاسته است؛ از «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۳/۳/۱۴). در مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست، بلکه حقیقتی است واحد و مستقل که با مروری بر آموزه‌های دینی به آن می‌رسیم. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره معتقد است که: «مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است، چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آن که تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۰/۱۳).

مهمترین شاخصه و مؤلفه‌هایی که امروز غرب به‌عنوان دموکراسی و «اصالت انسان» مطرح می‌کند، به نحو عالی‌تری در درون اسلام وجود دارد. آموزه‌های اسلامی مبتنی بر «کرامت انسان» و توجه و محوریت آدمی شکل گرفته است و محور توجه دین سعادت و کرامت انسان است. پیامبران الهی و ادیان آسمانی همگی برای هدایت انسان و نجات انسان از انحراف آمده‌اند و لذا بی‌شک عالی‌ترین توجه به انسان را در آموزه‌های دینی باید مشاهده نمود. ایشان در همین رابطه معتقد است که: «در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۳/۳/۱۴). به همین جهت است که در نظریه سیاسی اسلام رأی و اساس مردم‌سالاری دینی برخاسته از خود اسلام است و مشروعیت آن را از دین می‌گیرد: «مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما - که مردم‌سالاری دینی است - دارای فلسفه و مبناست» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۰/۳/۱۴). از سوی دیگر مردم‌سالاری واقعی بدون صبغه دینی تحقق نخواهد یافت و تنها آن را باید در میان تعالیم آسمانی جستجو کرد و دموکراسی غربی در عمل همان سرمایه‌سالاری و الیگارش‌ی زرسالاران است که به نام دموکراسی محقق می‌گردد. «انسان محوری» و



«اصالت انسان» نیز در مکاتب غربی به «اصالت لذت و هوا و هوس» آدمی تقلیل یافته است (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۱۲). مردم‌سالاری دینی و نظام ولایت با استبداد و دیکتاتوری نیز قابل جمع نبوده و بی‌شک نظام استبدادی و خودکامه نمی‌تواند مدعی اسلامی بودن باشد. مروری بر آموزه‌های اسلامی به سادگی نفی نظام‌های خودکامه را مشخص می‌نماید: «دین برای حکومت‌ها در مقابل مردم مسؤولیت جدی قائل است؛ دین، استبداد و دیکتاتوری را از هیچ حاکمی و تحت هیچ عنوانی نمی‌پذیرد» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۲).

مردم‌سالاری دینی، نظامی طبقاتی و تبارگرا نیست که در آن حکومت متعلق به طبقه‌ای خاص و در جهت منافع آن طبقه باشد. آنچه در نظام اسلامی اصالت دارد صلاحیت‌های اکتسابی است که متعلق به طبقه‌ای خاص نمی‌باشد؛ اجتهاد لازم برای فهم دین، عدالت و تقوای الهی و توانایی مدیریت جامعه اسلامی همگی ویژگی‌هایی است که مبتنی بر ثروت، تبار و صلاحیت‌های نژادی و خونی تنظیم نشده است. در نظام ولایت، این مردم هستند که از میان صاحبان صلاحیت حاکمان را برگزیده و حکومت نیز باید مبتنی بر منافع تمامی امت تصمیم‌گیری و اقدام نماید (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱). یکی از پایه‌های اصلی مردم‌سالاری دینی الهی بودن خاستگاه آن است. بدین معنا که برخلاف نظام‌های سیاسی غرب که مبتنی بر «قرارداد اجتماعی» شکل گرفته‌اند، این حقوق الهی است که مبداء و منشاء حقوق سیاسی - اجتماعی در نظام مردم‌سالاری دینی است. «مردم‌سالاری دینی - که مبنای انتخابات ماست و برخاسته‌ی از حق و تکلیف الهی انسان است - صرفاً یک قرارداد نیست. همه‌ی انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند؛ این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این، بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دموکراسی غربی وجود دارد» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴).

#### مردم و انتخاب ولی امر

در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مردم‌سالاری دینی به معنای تأثیرگذار بودن مردم در تشکیل حکومت و تعیین حاکم و مسئولین نظام سیاسی اسلام است و این به معنای نقش آفرینی مردم در مشروعیت بخشی به نظام مردم‌سالاری دینی می‌باشد.

«مردمی بودن حکومت اسلامی به دو معناست: یکی اینکه مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند. دیگر آن که حکومت اسلامی در خدمت مردم است؛ آنچه برای حاکم اسلامی مطرح است، منافع عامه مردم است نه منافع اشخاص یا قشر و طبقه معین. اسلام به هر دو معنا دارای حکومت مردمی است» (بی‌نام، ۱۳۸۶: ۸-۹).

آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگر مجدداً به این دو وجه حکومت اشاره کرده است: «مردم‌سالاری دینی دارای دو وجه است که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان و وجه دیگر آن رسیدگی به مشکلات مردم است که برهمین اساس مسئولان باید مشکلات مردم را به‌طور جدی پیگیری

و رسیدگی نمایند» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور مکرر در موقعیت‌های مختلف به این موضوع اشاره کرده و بر آن تأکید کرده‌اند: «اجتماع مردم‌سالاری؛ یعنی اجتماعی که مردم در صحنه‌ها حضور دارند، تصمیم می‌گیرند، انتخاب می‌کنند» (خامنه‌ای، ج ۵، [بی تا]: ۳۹۱).

### مردم و کارآمدی و بقای نظام ولایت

بقای نظام ولایت، هم‌چون تأسیس آن متکی به حضور مردم است. دقیقاً از همین منظر نیز در این نظام سیاسی موضوع انتخابات، یک مسأله حیاتی است. انتخابات هم از لحاظ اتکای نظام سیاسی به مردم و هم از لحاظ تضمین پشتیبانی مردمی این نظام سیاسی و حمایت و نصرت حکومت از سوی مردم: «مسأله‌ی انتخابات، مسأله‌ی بسیار مهم و اساسی و تعیین‌کننده‌ی است. اهمیت انتخابات از جهات گوناگونی است. یکی از آنها این است که نظام ما نظامی است متکی به ایمان‌ها و عواطف و علائق مردم. اساساً سر شکست‌ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱/۱۴).

به عبارت دیگر آیت‌الله خامنه‌ای نقطه اتکای مردم‌سالاری دینی و نظام ولایت را مردم و مبنای حمایت و حرکت مردمی را تأییدات الهی می‌داند. به همین دلیل در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای اصل حضور حداکثری مردم در انتخابات‌ها بسیار مهم است و موضوع فرد منتخب از اهمیت درجه دوم برخوردار است: «انتخابات، خودش مهم است. حضور مردم در انتخابات مهم است اهمیت انتخابات و حضور مردم، اهمیت نقد است و کشور را بالفعل بیمه می‌کند» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۵). البته آیت‌الله خامنه‌ای در کنار تأکید بر اصل حضور حداکثری مردم در انتخابات، نوع انتخاب آنها را نیز مهم می‌داند و بر لزوم رعایت جهت‌گیری کلان مورد نظر ارزش‌های انقلاب اسلامی جهت افزایش کارآمدی نظام سیاسی تأکید می‌کند:

«اگر ارزش‌های انقلابی فراموش شد، هیچ قدرتی نخواهد توانست مشکلات این کشور را برطرف کند و آن را بسازد. ارزش‌ها و شعارهای انقلابی، ابزارهای حرکت و تضمین‌کننده‌ی حضور آحاد این ملتند. این‌ها می‌توانند کشور را نجات دهند» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰).

در مردم‌سالاری دینی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای، این اراده مردم است که تصمیم می‌گیرد و کار را به پیش می‌برد و البته این تصمیم‌گیری با راهنمایی دین و آموزه‌های اسلامی همراه است. اما نکته مورد تأکید، جایگاه تصمیم‌گیری است که به انسان داده شده است. ایشان معتقدند که: «در قوانین آسمانی و الهی قرآن، برای مردم شأن و ارج معین شده است؛ مردم هستند که انتخاب می‌کنند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به دست می‌گیرند. این مردم‌سالاری، راقی‌ترین نوع مردم‌سالاری‌ای است که امروز دنیا شاهد آن است؛ زیرا مردم‌سالاری در چارچوب احکام و هدایت الهی است؛ انتخاب مردم است، اما انتخابی که با قوانین آسمانی و میرای از هرگونه نقص و عیب، توانسته است جهت و راه صحیحی را دنبال کند» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱). ایشان همچنین تأکید می‌کنند که: «حقیقت مردم‌سالاری دینی این است که یک نظام باید با هدایت الهی و اراده‌ی مردمی اداره شود و پیش برود» (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۱۵).

### تفاوت نظام ولایت با دموکراسی غربی

علی‌رغم مردم‌سالار بودن نظام ولایت، این نظام سیاسی با دموکراسی موجود در غرب متفاوت است. در مردم‌سالاری دینی موازین و چارچوب‌ها را اسلام مشخص می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره چنین توضیح می‌دهند: «در دنیای جدید، دموکراسی، یعنی خواست و قبول اکثریت مردم، ملاک و منشأ حکومت شمرده می‌شود، اما کیست که نداند که ده‌ها وسیله غیر شرافتمندانه به کار گرفته می‌شود تا خواست مردم به سویی که زمامداران و قدرت‌طلبان می‌خواهند، هدایت شود» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ۱۷). و در جای دیگر ایشان معتقدند که «هر حکومتی چارچوبی دارد؛ دموکراسی غربی در چارچوب خواست آزاد و رهای انسان‌ها و اکثریت بود، که آن هم توسط سرمایه‌داران جهت داده می‌شد، ولی در مردم‌سالاری دینی، چارچوب دین خدا حاکم است و مردم حاکمیت این چارچوب را پذیرفته‌اند» (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۶: ۳۰۰).

### نتیجه‌گیری

«نظام ولایت» را می‌توان هسته مرکزی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای تلقی کرد. نظام ولایت به‌مثابه چارچوب نظری و رهیافتی برای فهم مبانی اندیشه دینی و سپس فهم جامعه و انسان و سپس نظام اجتماعی و سیاسی است. مفاهیمی چون توحید، نبوت، عدالت، آزادی، هدایت، ولایت فقیه و مردم‌سالاری، در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای ذیل منظومه ولایت قابل تعریف هستند. در اندیشه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه مجموعه‌ای ارگانیک، زنده و منسجم هم چون بدن انسان است که با وجود نابرابری‌ها و تفاوت‌های موجود میان اعضا و ارگان‌های مختلف، برای رسیدن به هدفی واحد، منسجم و هماهنگ عمل می‌کند. در این نگرش، بر خلاف منظر اصحاب قرارداد اجتماعی، انسان موجودی رها و به دور از تمدن انسانی فرض نمی‌شود که بنا به ضرورت امنیت یا آسایش بیشتر به زندگی مدنی و اجتماعی تن داده باشد؛ بلکه در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، بشر خارج از زندگی اجتماعی و مدنی واجد نام انسان نیست و هویت حیوانی بر آن الصاق می‌گردد. اساساً زندگانی انفرادی برای هیچ کس ممکن نیست، مگر آنکه از جامعه بشری خارج شده باشد. تأمین نیازهای مادی در کنار تحقق برخی ارزش‌های انسانی و متعالی همچون هدایت و عدالت، نیازمند زندگی جمعی است. در آموزه‌های دینی جدایی، تفرق و پراکندگی باعث گرفتاری در دام شیطان معنا شده و همکاری جمعی دست خدا را به همراه دارد. الگوی صراط مستقیم در اندیشه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای بار دیگر تکرار می‌شود و در تقسیم جوامع بشری، آنان که در دو راهی سعادت و شقاوت، مسیر انسانیت، توحید و فطرت را انتخاب می‌کنند، جامعه توحیدی را شکل می‌دهند و آن دسته از جوامع که از این مسیر منحرف شده‌اند، واجد پسوند حیوانی و شیطانی می‌شوند.

ساختار ارگانیک و اندام‌وار جامعه توحیدی علاوه بر روح، هدف و مسیر حرکت، نیازمند جایگاه هدایت و فرماندهی است و امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، آن را بر عهده انسان کامل و به تبع آن به رهرو راستین آنان یعنی فقیهان عادل می‌گذارند. از این منظر توحید در عبادت، به توحید در تولی به ولایت حق

تعالی و پرستش خداوند متعال با جاری کردن ولایت حق تعالی در زندگی معنا می‌یابد. همین نگرش به ولایت، خدای متعال را ولی مؤمنین تعریف می‌کند. انبیای الهی نیز برای ابلاغ این ولایت متجسم در گزاره‌های شرعی تعیین شده‌اند. پس انبیاء، در واقع اولیای الهی برای جریان ولایت هستند. از همین منظر انسان نیز تعریف می‌شود و هویت او یک هویت رابطه‌ای در نسبت با ولایت الهی تعریف شده و از جمع این روابط نیز معنا و ماهیت جامعه مبین می‌شود.

بنابراین مردم‌سالاری دینی به معنای مدیریت همین جریان ولایت است. نظام مردم‌سالاری دینی یک مجموعه متجانس را تشکیل می‌دهد که از لوازم آن، حضور آزادی و تدین به نحو توأمان است. فعالیت‌های سیاسی، به خصوص انتخابات ذیل این معنا از کنش سیاسی تعریف می‌گردند. کنش سیاسی در این منظومه، اقدامی معطوف به نفع شخصی نیست؛ بلکه اقدامی برای انجام امر الهی است.

یکی از ویژگی‌های مهم نظام ولایت، شیوه نقش‌آفرینی مردم در انتخاب ولی امر است. در نظام ولایت، رهبر نظام اسلامی را مردم انتخاب می‌کنند. از دیدگاه امام خمینی (ره)، حاکم اسلامی در عصر غیبت، مجتهد عادل است که مورد قبول مردم نیز باشد. چنین کسی از آنجا که شرایط لازم برای رهبری را دارد و از مقبولیت مردمی نیز برخوردار است، حکمش نافذ خواهد بود. این نفوذ حکم به معنای مشروعیت‌یابی و حق اعمال قدرت است. به عبارت دیگر اگر دو مجتهد عادل در همه شرایط مورد نظر، مساوی باشند در نهایت فردی منصب ولایت را به دست می‌گیرد که «منتخب» مردم باشد.

از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، مردم جایگاه تعیین‌کننده‌ای در نظام ولایت دارند و نظریه امام خمینی (ره) با عنوان «ولی منتخب مردم»، همان نظریه‌ای است که آیت‌الله خامنه‌ای از آن با عنوان «مردم‌سالاری دینی» یاد می‌کند. بر اساس این دو نظریه، نقش‌آفرینی مردم در نظام ولایت، مستخرج از اسلام است و مردم‌سالاری دینی فقط یک قرارداد عرفی نیست، بلکه یک وظیفه‌ی دینی است که در آن مردم حاکم اسلامی را انتخاب کرده و سرنوشت اداره کشور را به‌وسیله منتخبان خود در اختیار می‌گیرند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است. در عین حال از نظر رهبران انقلاب اسلامی، نظام ولایت یک تفاوت اساسی با نظام لیبرال دموکراسی دارد و آن اختلاف این است که نظام ولایت مبتنی بر قانون اساسی اسلام است و در آن هم شرایط منتخب و هم قوانین حاکم بر کشور مستخرج از اسلام است و در عین حال با انتخاب اصل نظام ولایت و حاکم آن با رأی و خواست ملت، «نظام ولایت» در کشور تأسیس می‌گردد که مبنای آن، به‌هم‌پیوستگی میان ولی امر و مردم است.

## References

- Anonymous (2007), "The Role of the People in the Islamic State from the Perspective of the Supreme Leader of the Revolution", Quarterly Journal of the Islamic Government, Vol. 43, Spring. (In Persian)
- Barzegar, Ebrahim (2014), *Imam Khomeini's Political Thought: Politics as A Way*, Tehran, Samt, Third Edition. (In Persian)
- Detailed Form of the Negotiations of the Islamic Consultative Assembly for the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, Vol. 1, Tehran, 1985. (In Persian)
- Detailed report of the negotiations of the Constitutional Review Council of the Islamic Republic of Iran, General Department of Laws of the Majlis, Tehran, 1993. (In Persian).
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad, *Theoretical Foundations of the Constitution*, Tehran, Boqa Publications, 1998. (In Persian)
- Hosseini, Maryam Sadat (2013), *Political Thought of Imam Khomeini*, Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)
- Jamshidi, Mohammad Hossein (2009), *Imam Khomeini's Political Thought*, Tehran, Imam Khomeini Research Institute and the Islamic Revolution, Second Edition (In Persian)
- Kadivar, Mohsen (2001), "The highest political power in the country is chosen by the people", ISNA News Agency, June 29. <https://www.isna.ir/news/8003-01706>. (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1993), *Return to Nahj al-Balaghah* (Speech series of the Supreme Leader at the International Conferences of Nahj al-Balaghah), Tehran: Nahj al-Balaghah Foundation, first edition. (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2012), *Velayat and Government*, Second Edition, Tehran, Sahba. (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2014), *General Plan of Islamic Thought in the Quran*, Fourth Edition, Tehran, Sahba.
- Khamenei, Seyyed Ali, *in the school of Jumu'ah*, vol.5, [No place], [No date]. (In Persian)
- Khosropanah, Abdolhossein and a group of researchers (2016), *Imam Khomeini's intellectual system*, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (In Persian)
- Khosropanah, Abdolhossein and a group of researchers (2017), "The intellectual system of Grand Ayatollah Khamenei", Volume I, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, Second Edition.
- Mohajernia, Mohsen (2014), *Political Philosophy of Ayatollah Khamenei*, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (1998), *Velayat-e Faqih (Islamic Government)*, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006), *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume 4, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006), *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume 5, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)

- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006), *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume 8, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006), *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume 14, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute, (In Persian)
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (Imam Khomeini) (2006), *Sahifa Imam*, Fourth Edition, Volume 21, Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute. (In Persian)
- Rostampoor, Sajjad (2018), *Political Thought of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei*, Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)
- Sadegh, Mohammad Hadi (2015). Prioritization of the Merits and Characteristics of Revolutionary Institutions through Value Approach. *Journal of Research in Human Resources Management*, 7(1), 113-135. (In Persian)
- Saeedi, Mehdi (2013), *Religious Democracy from the Perspective of Ayatollah Khamenei*, Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in a group meeting of Staff of Constructive Jihad, 10/07/1998, Software of Hadith Velayat. (In Persian).
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in a public meeting, on 18/01/1999, Software of Hadith Velayat. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of the Friday Imams of the country, 10/02/2000, Software of Hadith Velayat. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of professors and students of Shiraz universities, 02/14/2008, Software of Hadith Velayat. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of the officials of the Islamic Republic of Iran on the day of Eid al-Fitr, 04/19/2009, Software of Hadith Velayat. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of the Officials of the country, on 12/02/2000, Software of Hadith Velayat. (In Persian).
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of the representatives of the seventh session of the Islamic Consultative Assembly, 03/27/2004, Software of Hadith Velayat. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting with the members of the Assembly of Experts, 09/08/2011. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of the members of the election monitoring board of the Guardian Council, 02/03/1996, Software of Hadith Velayat. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution on the occasion of Eid Saeed Ghadir, 04/05/1999, Software of Hadith Velayat. (In Persian)